

پرنده آبی

تختی به رنگ سیاه

● کلیپی از عقد موقت دختری ۱۱ساله منتشر شد که مباحث مختلفی را در چند روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرد؛ هم بحث انتشار عکس کودک و هم ازدواج کودکان. طناز احمدزاده در کانال «اکنون، ما و شریعتی» یادداشتی نوشته و به برخی نکات اشاره کرده است.

کودک‌همسری مسئله‌ای است که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت و در صورت بی‌توجهی، به بحرانی دیگر در حوزه آسیب‌های اجتماعی تبدیل خواهد شد.

چندی پیش کلیپی در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد که یک زوج جوان ادعا می‌کردند در سنین پایین، یعنی دوره کودکی ازدواج کرده‌اند و حال، پس از گذشت چند سال درباره زندگی مشترکشان می‌گویند مشکلی نداشته و اتفاقاً زندگی خوبی را هم تجربه کرده‌اند، هدف این‌من الیه، پرداختن به آن ویدئو و تحلیل آن نیست، اما می‌خواهم فقط به چند نکته اشاره کنم تا یادآور شوم این پدیده مذموم کودک‌همسری چه تبعات جبران‌ناپذیری می‌تواند داشته باشد و برخلاف ادعای مطرح‌شده در ویدیوی مذکور، وجوه منفی این ماجرا به قدری زیاد است که نمی‌توان اندک محالات مثبت این پدیده را دید.

توضیح

جریان سرمایه‌سالار

● یادداشتی با عنوان «چطور حامیان غول، پادکست فارسی را قورت می‌دهند» به قلم مهدی نوریان از روز سیزدهم شهریور در سه شماره منتشر شد. در این مدت تغییراتی در روند برگزاری سمینار پیش آمد؛ از جمله پس از اعتراض برخی از پادکسترهای زن، برگزارکنندگان همایش فریلند مجبور شدند سه پادکستر زن را به پتل «گپ‌وگفت چالشی در پتل ویژه» اضافه کنند. اما به اعتقاد نگارنده یادداشت: «زنانه‌بودن یا مردانه‌بودن این پتل اساساً چیزی را عوض نمی‌کند چراکه جریان سرمایه‌سالار فقط به سود اهمیت می‌دهد و بس. این جریان یک الیگارشی انحصاری سرمایه‌سالار را روی شانه‌های گیگ‌های فن‌سالار رقم می‌زند؛ حامیان غول روی شانه‌های مجریان کول».

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

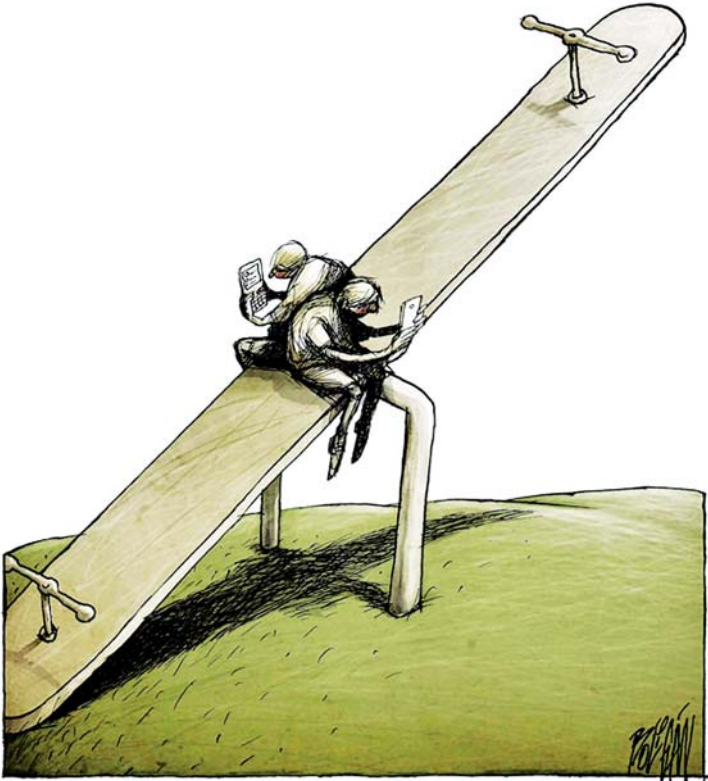
شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۸ • ۷ محرم ۱۴۴۱ • ۷ سپتامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۱۹ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۴۲ • اذان صبح فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۱

روزنامه‌فرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آ تبّل بولیگان



آینه‌های محذب

روز واقعه



احمد طالبی‌نژاد

این روزها تکه‌هایی از فیلم روز واقعه در فضای مجازی به قول معروف وایرال شده و دست به دست می‌چرخد. تکه‌هایی دربرگیرنده حرف‌ها و نظرهایی که در طول زمان جاری و ساری بوده‌اند و به نظر می‌رسد به امروز ما هم اشاره دارند. به یاد داشته باشیم فیلم‌نامه این اثر جاودانه را بهرام بیضایی نوشته که به دلیل برخی اتهام‌ها و ممانعت‌های پی‌درپی در پیش پای او، ناگزیر به ترک وطن شده و کوهی از تجربه، دانش، فهم تاریخی، نگرش نقادانه و... را با خود به پنگه دنیا برده است؛ گنجینه‌ای که می‌توانست در سرزمین مادری‌اش صرف رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر دیرپای ما شود. باری، روز واقعه هنوز هم تنها اثر تاریخی است که با نگاهی بی‌طرفانه و البته توأم با خلاقیت، به واقعه کربلا پرداخته است. بیضایی با شگردی مبتکرانه مقوله نمایش یا بهتر بگویم ممنوعیت نمایش قدیسان بر پرده سینما را حل کرد و این مهم‌ترین وجه فیلم‌نامه روز واقعه است. شخصیت اصلی جوانی نصرانی به نام شبلی است؛ از خانواده‌ای متمکن که در روز عروسی‌اش ندایی می‌شنود – آیا کسی هست مرا یاری کند؟– ندا چنان ملکوتی است که شبلی را از خود بیخود کرده در پی یافتن منبع آن بر می‌آید و در می‌یابد متعلق به حسین‌بن‌علی است که در پیشاز شهادت به سوی صحرای کربلا روان است. شبلی منزل به منزل می‌رود و به هر منزله‌ای می‌رسد، حسین پیش از او از آنجا عبور کرده اما تأثیر حضورش در بین مردمان آن دیار و قوم و قبیله هنوز زنده است. بزرگان هر قوم گفتار، کردار و گزیده‌ای از رفتارش را برای شبلی جوان نقل و او را نسبت به راهی که در پیش گرفته است، مصمم‌تر می‌کنند. این همان تمهیدی است که گفتم. یعنی به جای نمایش چهره و قد و قامت یک قدیس که در اسلام با ممنوعیت‌هایی روبه‌روست، مهم‌ترین وجه شخصیتش که همانا نقش و تأثیر او بر دیگران باشد را به نمایش گذاشته و این کاری است که سازندگان فیلم پرهزینه رستاخیز که آن هم به واقعه کربلا



میدون و سوفیا

نامه به یک سارای سوخته



پوریا عالمی

سلام سارا. الان که این نامه را برای تو می‌نویسم تو سوخته‌ای. روی تخت بیمارستان خوابیده‌ای و هیچ دل خوشی از این جهان بزرگ نداری.

گفتم این نامه را بنویسم که بدانی زندگی غصه ندارد و غصه هم داشته باشد تو تنها نیستی.

تو عاشق فوتبالی. عاشق استقلال. ولی معلوم نیست از کی و کجا ورود زن‌ها به ورزشگاه ممنوع است. چرا؟ چون زنان مشکل دارند؟ نه! چون مشکل از آن مردانی است که زن می‌ترساندشان. آیا زنان مرض واگیردار دارند که ورودشان به ورزشگاه ممنوع است؟ نه! چون مردان مریض هستند و دست‌برقضا، بنا بر این است که مردان برای زنان تصمیم بگیرند. عیبی هم ندارد.

خلاصه سارا جان! تو دلت می‌خواهد فوتبال ببینی و لباس مردانه تن کردی و ریش مصنوعی چسباندی و جلوی در ورزشگاه مأموران مچ تو را می‌گیرند که داری قانون‌شکنی می‌کنی. چرا ناراحتی؟ الان همه قانون‌شکنان و رانت‌خوارها و بودجه‌خوارها مچشان دستبند است... غیر از محمودرضا خاوری که سه هزار میلیارد تومان بیت‌المال را برده کانادا عشق‌وحال... و غیر از آن

می‌پردازد، متأسفانه نتوانسته‌اند انجامش دهند و به همین دلیل این فیلم پس از چند سال هنوز مجوز اکران نگرفته؛ چون گویا تصویر حضرت عباس، برادر امام حسین(ع) را به‌وضوح به نمایش گذاشته است. از بیان این مقایسه منظوم خلافت عمیقی است که در وجود بیضایی هست. حتی در فیلم ملکوتی مسافران که اسکلت‌بندی‌اش از تعزیه به عاریت گرفته شده. در فیلم‌نامه منتشر‌شده روز واقعه، سکانس‌هایی هست که مو بر تن خواننده راست و اشکش را سرازیر می‌کند. من بار نخست وقتی رسیدم به سکانسی که شبلی سرانجام به صحرای کربلا می‌رسد؛ در حالی که جنگ به پایان رسیده و خیمه‌ها و تخلص‌تان سوخته است و جنازه آدم‌ها و اسب‌ها زمین را مفروش کرده و آنگاه زنی را می‌بینیم که فریادهای دردناکی از گلویش بیرون می‌آید.

شبلی به این گمان که تیری بر بدن او اصابت کرده است، به سویش می‌دود اما زن که می‌فهمیم شهربانو، همسر ایرانی امام، است و فریادهای دردناکش از آن روست که «سه روز است طفل شیرخوارهام را گم کرده‌ام و شیر در سینه‌هایم آماسیده است»، نتوانستم ادامه دهم. کتاب را رستم و زارزار گریستم. اما میان آنچه بیضایی نوشته و آنچه به کارگردانی شهرام اسدی از سوی بنیاد سینمایی فارابی ساخته شده است، تفاوتی اساسی وجود دارد که می‌تواند ماهیت این اثر یک‌ه را زیر علامت پرسش قرار دهد. چنان که گفته شد، در فیلم‌نامه جوان از ابتدا تا نزدیک به انتها همچنان نصرانی است و در نهایت هنگامی که مظلومیت و حقانیت حسین‌بن‌علی را می‌بیند، به جمع یارانش می‌پیوندد. به عبارت دیگر، او طی سیر و سلوکی عارفانه و عاشقانه، متحول می‌شود. اما در فیلم، از همان ابتدا او مسلمان شده، نام عبدالله برایش انتخاب می‌شود. یعنی یک مسلمان شیعه برای یاری‌دادن به امام خود پای در رکاب می‌شود. ببینید فقدر با ایده اصلی بیضایی که یک نصرانی چنین سیر و سلوکی را طی می‌کند، تفاوت دارد؟ و این از کرامات میزبی در دیار ماست که برای پرهیز از به‌خطرافتان میزها و پست و مقام‌ها، ارزش‌های خلاقانه را از میان برمی‌دارند تا ارزش‌های بر ساخته بر جا بمانند. روز واقعه همچنان تنها فیلم ارزشمندی است که درباره عاشورا ساخته شده است.

ازدواج ایرانی-۳

دگرگونی‌های اساسی



پرویز اجلایی
جامعه‌شناس

● در دو بخش پیشین این تحلیل به بررسی و تحلیل نهاد خانواده در فاصله ۵۰ و ۶۰ سال گذشته دگرگونی‌هایی که در جامعه ایرانی اتفاق افتاده با توجه به جایگاه زنان به طور اجمالی پرداخته شده بود.

ازدواج در دوره جدید

با اندکی مشاهده و تعمق می‌توان فهمید که معنا و کارکرد نهاد ازدواج، همسرایی و فرزندآوری در جامعه ایران دهه ۹۰ قرن چهاردهم خورشیدی دچار دگرگونی‌های اساسی شده است. این دگرگونی‌ها محصول تغییر شرایط زندگی زنان و مردان و به تبع آن اندیشه و تفکر ایشان بوده است. این تغییرات تحت تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان جامعه بوده‌اند.

تغییر در جایگاه و منزلت زنان: در این زمان بیش از نیم‌قرن اندک اندک جایگاه و منزلت زنان دگرگون شده است. اندک اندک اوضاع عوض شد. اولین تغییر مدرسه‌رفتن دختران بود که به طرز وسیع از دهه ۱۳۱۰ به زور دولت شروع شد. اولین زنان شاغل خانم‌معلم‌های مدرسه‌های دخترانه بودند. بعد از آنها نوبت پرستاران بود. در سال ۱۳۳۵ فقط هشت درصد زنان در کل کشور و ۲۲٫۵ درصد در شهرها باسواد بودند و از میان این زنان باسواد ۷۵٫۱درصدشان تحصیلات ابتدایی و فقط ۰٫۷ درصد آنها تحصیلات دانشگاهی داشتند. در سال ۱۳۹۵ نرخ باسوادی زنان در کل کشور ۸۴٫۰ درصد و در شهرها به ۸۸ درصد رسیده بود. جالب‌تر اینکه در سال ۱۳۹۰ درحالی‌که ۱۸٫۴ درصد زنان تحصیلات عالی داشتند، درصد مردان دارای تحصیلات عالی فقط ۱۸٫۲ درصد بود. البته با وجود بالرفتن سواد و تحصیلات و آگاهی رشد فرصت‌های شغلی برای زنان بسیار کمتر از مردان بوده و میزان بی‌کاری به‌ویژه در میان زنان تحصیل‌کرده بسیار بالاست (درصد زنان شاغل از کل شاغلان در سال ۱۳۴۹، ۱۱٫۵ درصد و در سال ۱۳۰۵، ۱۲٫۵ درصد بوده است). اما وقتی به حضور و مشارکت این دختران جوان و تحصیل‌کرده در جامعه نگاه می‌کنید بسیار شگفت‌انگیز است؛ هرچا فرصتی برای فعالیت شغلی، مدنی یا اجتماعی باشد هرچند این فرصت‌ها کم باشد دختران جوان در صف اول هستند. کلاس‌های دانشگاه و حرفه‌آموزی و ورزشی و هنری را پر کرده‌اند، نهادهای مدنی بر فعالیت‌های ایشان متکی است. یک مشاهده ساده نشان می‌دهد که نسل جوان زنان ایرانی به طرز تحسین‌آمیزی تمایل به مشارکت در جامعه و پیشرفت دارند. طبیعی است که دیدگاه این زنان تحصیل‌کرده، گاه شاغل و به حرحال با اعتمادبه‌نفس بالا و تمایل به مشارکت در زندگی اجتماعی، درباره همسرایی، ازدواج و فرزندآوری با دیدگاه زنان سنتی فرق داشته باشد. اولین تغییر احتمالی، آن‌طور که از گفت‌وگو با دختران جوان برمی‌آید، این است که این نسل ازدواج را امری اجباری نمی‌داند که باید در سن معینی صورت بگیرد وگرنه بخت دختران از بین می‌رود و به اصطلاح می‌ترشد. دختر امروز اشتغالات و آرزوهای زیادی دارد؛ می‌خواهد درس بخواند و به جایی برسد. از امکانات زندگی امروز استفاده کند، مصرف و تجربه کند. ازدواج فقط یکی از آرزوهای اوست.

تغییر شرایط اقتصادی: هرچند تحولات شخصیتی و فرهنگی نقش مهمی در تغییر وضعیت ازدواج در کشور دارد. اما تحولات اقتصادی- اجتماعی خود جامعه زمینه‌ساز این دگرگونی‌ها در سطح فرد و خانواده‌اند. از شهرنشینی و رشد کارهای مزدبگیری و انهدام خانواده گسترده، بالارفتن سطح مصرف و تغییر سبک زندگی که اندک اندک در بیش از نیم‌قرن اتفاق افتاده است، سخن گفتیم؛ اما به آنها باید مشکلات سال‌های اخیر جامعه را نیز افزود که مهم‌ترین آنها رکود تومنی شتابان همراه با پایین‌آمدن سطح زندگی در کنار بی‌کاری وسیع جوانانی است که با هزار امید از دانشگاه‌هایی که در نتیجه سیاست‌گذاری غلط رشد قارچ‌گونه یافته‌اند، فارغ‌التحصیل شده‌اند اما در جامعه هیچ‌کس منتظرشان نیست و کاری برایشان ندارد. در واقع در اینجا با دو مشکل روبه‌رویم؛ یکی مشکل بی‌کاری جوانان تحصیل‌کرده و دومی کیفیت پایین تحصیلات در برخی موارد است که کارایی فارغ‌التحصیلان در شرایط وجود اشتغال را هم با تردید مواجه می‌کند. هرچند بی‌کاری و پایین‌آمدن سطح زندگی هم زنان را تهدید می‌کند هم مردان را. اما تأثیر آن بر مردان و زنان متفاوت است. در قانون شرع مرد مسئول تأمین معاش زن است و زن از این لحاظ هیچ مسئولیتی ندارد. هرچند در زندگی واقعی اکثر زنان شافل بعد از ازدواج بخشی از هزینه‌های زندگی را بر عهده می‌گیرند، اما از نظر فرهنگی این برداشت هنوز در جامعه قوی است و مردها بر اساس توانایی‌شان برای تأمین معاش خانواده ارزیابی می‌شوند و ناتوانی در این مورد برای مردان رنج‌آور است. به علاوه بعضی دختران به‌ویژه کمتر تحصیل‌کرده‌ها ممکن است جوری تربیت شوند که هیچ مسئولیتی در مورد تأمین درآمد را نپذیرند و خواستار مصرف تئیدآمیز از کیسه مرد باشند. بی‌کاری و فقر دو تأثیر متضاد بر ازدواج می‌گذارند. در یک حالت دختران تحت تأثیر خانواده‌ای که مزه فقر را چشیده می‌خواهند انتقام فقر و بدبختی را از خواستگار بیچاره بگیرند و شرایط ازدواج را سخت‌تر و سخت‌تر می‌کنند، حتی اگر این کار شانس ازدواج دختر را کم کند. تأثیر دوم برعکس تأثیر اول است و آن این است که دخترا از ترس بی‌کاری و بی‌پولی رو به سوی ازدواج حتی با افراد مسن‌تر می‌آورند.

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR



بانک صادرات ایران